

# تک برگی راه کارگر

روزنامه سیاست، کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلاب، ایران (راه کارگر) سردبیر: آرش کمانگر شماره 194 یکشنبه 2 فروردین 1383 --- 21 مارس 2004

## هر روزتان نوروز، نوروزتان پیروز!



باردیگر ذره وار، رقص کنان آمدیم  
زان سوی گردون عشق، چرخ زنان آمدیم  
(مولوی)

امیرجواهری لنگرودی  
[amir\\_l@hotmail.com](mailto:amir_l@hotmail.com)

سال بد،  
سال اشک، درد و عزا،  
سال روزهای سخت و استقامت بیشمار مردم،  
سال زمین لرزه بم و جان شیبوی هزاران هزار زن ومرد،  
سال به گلوله بستن کارگران معدن مس میروک شهر  
بابک،  
سال فتوای دگرباره حرام بودن اعتصاب کارگران،  
سال چوبک های اعدام خیابانی بجرم خرید و فروش مواد  
آدم کش شیطانی،  
سال فروختن بیشمارانی چند، آنهایی که رفته اند  
و آنهایی که باقی مانده اند و می بایست  
از فراز شان هایشان، راههای نرفته راجستجو کنند،  
باری سال بد به آخر رسیده ونوروز شادمانه درراه  
است، پنجره ها را بگشاییم!  
هر بهار و سال نو، از افق ها و امید های تازه بشارت  
میدهند، از رویش و شکفتن، از گرمای حیات و نیروی بیا  
خاستن، شادمانه های هستی بخش پیروزی!  
بقیه در صفحه 2

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان  
بمناسبت فرا رسیدن عید نوروز  
ص 4

## مروری بر سه رویداد

تقی روزبه [t.roozbeh@freenet.de](mailto:t.roozbeh@freenet.de)

1- در ضرورت حمایت جنبش دانشجویی از جنبش معلمان  
بی تردید پراکنندگی حرکات اعتراضی (اعم از صنفی یا سیاسی)  
با وجود کثرت این گونه اعتراضات، یکی از دلایل عمده ناکامی آن  
ها درنیل به اهداف خود و به همان اندازه یکی از دلایل عمده یکه  
تازی حاکمیت را تشکیل می دهد. پراکنندگی فوق خود را هم در سطح  
عمودی (پیوند صنف معین) و هم در سطح افقی (پیوند و حمایت صنف  
های گوناگون با یگدیگر و از یکدیگر) و بطور کلی در ناهم زمانی و  
ناهم زبانی حرکات اعتراضی نشان می دهد. بقیه در صفحه 6

در سهایی از  
بهار طبیعت  
برای  
بهار جامعه!



آرش کمانگر [arash.k!rahekargar.net](http://arash.k!rahekargar.net)

ملت‌ها بدون سنت‌های گوناگون خویش معنا ندارند، در تاریخ هر  
ملتی، راهپیمایی هزاران ساله سنت‌ها را به وضوح می‌توان دید.  
برخی از این سنت‌ها، زائیده کار و زیست مردمان عادی در طول  
قرون است، برخی را اما سلاطین به ضرب شمشیر و درفش و یا  
زاهدان و موبدان به نیابت از آسمان دست در دست حاکمان بر  
زمینان تحمیل نمودند و آن را سنت خواندند.  
بقیه در صفحه 3

ائتلاف آبادگران یا اتحاد غارتگران؟!  
جمشید پدram

اعلامیه مشترک شش سازمان،  
در مورد رویدادهای کردستان

اخبار و رویدادهای مهم

ادامه از صفحه یک

## هر روزتان نوروز.....

درايران قاتلان خنده و سبزه و رویش ، آنانیکه کمر به قتل عام يك نسل بسته ونقش بی خردی مفلوک شان درتقابل با بود زندگی مردمان ماست ، هر نوروز جشن و سلاحی است برای دفاع از حق نفس کشیدن و رها کردن جانهای بیقرار درشگفتگی گل و بوته بهاران .

چهارشنبه سوری هر سال تابش موج سارجوانانی است که نه تنهایی ، شادابی وشادمانی است ، نوروز آتش ربا شعار مرگ بر شب پرستان و تاریک اندیشان به شستن زردی رو و سرخی آتش گره میزند تا غباربیقراریهرا ازجان هایشان برابند!

نوروز برای مردم ایران ، مظهر بهروزی، تجدیدحیات، شادابی وشادمانی است ، نوروز پیام زندگی ودوام ومانایی حیات است واز همین روست که رژیم جمهوری اسلامی برآن شمشیر کشیده است ولی مردم ما تا به امروز نشان دادندکه مقاومت میکنند ، حاجی پیروز را به میدان میکشند ، لباس سرخ او که مظهر شادی است ، خشم مخالفان سور، سرور، سرود، سروری، سالاری، سعادت و سبزه زاری مردمان ما راکه بهترین هفت سین سالشان است ، به تعب وجودی خود غمگانه میخواهند ولی تا به امروز نتوانستند .

هوای بهاری بقول مولوی رقص کنان، چرخ زنان ، زان سوی گردون عشق ، ذره وار ، وقتی از راه میرسد ، هیچ چیزجلودارش نیست ، شادمانی مردمان را بر میانگیزد، غم را به نهان خانه میبرد، باید گفت: نوروز ماندنی واین رژیم رفتنی است همانگونه که اسلاف آنان به زباله دانی تاریخ فرو رفتند!

گل ، سبزه، حیات و بهاران ماندنی ست ، مردم هر ساله زردی روی به سرخی آتش میدهند، ماهی قرمز به آب می اندازند، با خنده، رقص، نوای شادی به استقبال نوروز میروند!

امسال نیز چون گذشته خانه تکانی میکنند و برای لرزاندن دیوارهای نظام و شعار آزادی همه زندانیان سیاسی ابتداء به همراه خانواده های اعدامیان به خاوران میروند تا با عزیزان خود وداع کنند و روزشنبه درآستانه حلول سال نو برتپه های اوین گرد هم میآیند تا با صدای بلند آزادی بی قید وشرط همه زندانیان سیاسی را بر زبان رانند! ما بازآمدن بهار دل انگیز را بر همه شمایان، مبارک باد میگویم!!

عمو نوروز نوید بخش، چنین جاودانگی بشارت دهنده درهرکوی، برزن، ده و شهری به وسعت کشور ما و مردمانی ازافغانستان، تاجیکستان، تاشکند، هند، بین النهرین، مصر ، ملت کرددرجای جای جهان وتا دور دستهاست!

درسراسر تاریخ وپهنه هایی که درخاطره مردمان مایه یادگار مانده، جنگ میان ستمدیدگان، ستمگران درهزاران هزارچهره تا به امروز رخ نموده است ، عرصه این نبرد از آوردگاه سراسردردورنج تا دورترین افق زمستان و تابناکی بشارت فرهنگ و رسوم ، همواره در لباس شعر، غزل، ترانه درآمده و بدل به خوشگوارترین زرمه های بشری شده است!

نوروز یکی از شادیهای هزاران ساله و گرمی ترین جشن همبستگی قومی وملی ایران بویژه برگزاری آن نشانه ای ازجلوه های روح ملت است .

درنوروز تلاش زنان ومردان صاحبدل بر این بوده واست که تمام کینه وکدورت ها از میان جمع ، رخت بریندند و صلح، صفا ، جایگزین عداوت و نامهربانی ها گردد.

درايران چه گذشته هاوامروز هر نوع غلیان بشری به گاه فصل وکار، کشت ودرویی هیچ بیچ وتاب رمزآلودی برفرازامواج انسانی، به پرچم نیروی معترض برای دگرگونه گی تاریکی ها و سپری کردن زمستان سهمناک به اهتزازدرآمده است .

آداب ورسوم، سنن واعیاد گوناگون، زاییده شادی ، سرورویزاری زنان ومردان به وقت کار و نیازدر برابرپیداد مالکان واربابان خانه نشین بوده است .

مردمان هریک درطلب نوساختن، روشنایی رابرای غیربرتافتن، رویش وزایش را برخویش گشودن، غبارغم ورنج ازجان سودن وبه پایکویی ویگانگی اندیشیدن و دوری گزینی از ننگ ونفرت ، همواره درطلب وصول بهارانی دگر در راهپیمایی سترگشان، بسوی جهانی آسوده تر ، بهارانی دگر راآرزو میکنند.

تا به امروز همگان، در کارت تبریک نوروزی شان ، همواره چنین آرزوهای نیکی رابه قلم رانده اند ، تنها تاریک اندیشانند که هوای تیره ومسموم را طالبند، چراکه موجودیت کثیفشان ، دروخامت اوضاع و ناسودگی دیگران تعریف میگردد!

ادامه از صفحه یک

## درس‌هایی از .....

تاریخ نگاری ناسیونالیستی که فارغ از واقعیات، هر سنت میهنی را می‌سناید و هر فرآورده وطنی را وسیله‌ای برای فخرفروشی نزد دیگر ملت‌ها علم می‌کند، قادر نیست و بهتر است بگوییم مایل نیست سنت‌ها را از صافی منافع انسان‌ها عبور دهد. در نظرگاه آن‌ها این نه اصالت انسان که اصالت مکان یعنی وطن است که خود به خود وقایع و رویدادهای زمانه را سنت می‌کند. سنت‌هایی که پس از تولید، وطن را یکپارچه به تبعیت فرا می‌خوانند. اما آنان که به جای پرستش میهن باستانی، سنت‌های انسانی را می‌پرستند، آنان که به تاریخ کشور خویش و جهان، نه از دریچه سلاطین زمینی و منجیان آسمانی، بلکه از زاویه وسیع‌ترین توده‌های لگدمال شده می‌نگرند، نه تنها با سنت کردن هر رویداد مخالف‌اند بلکه با بزرگداشت هر سنتی نیز سر جدال دارند. وطن پرستان اما که خاک را به جای انسان خاکی می‌پرستند، هر رویداد نکویده‌ای را سنت می‌کنند و هر سنتی را رویدادی پسندیده. ولی ما را با چنین تاریخی کاری نیست. می‌گویند انسان‌ها تاریخ خود را می‌سازند، اما زندگی این حق را به توده‌ها می‌دهد که هرگاه بخشی از تاریخ سنتی و سنت‌های تاریخی خویش را نپسندیدند، آن را ویران کنند یعنی این‌که به فراموش‌خانه ذهن خویش بسپارند. این عمل در گذشته صورت گرفته در آینده نیز صورت خواهد گرفت. جهان فارغ از چنین فراموشی‌هایی هیچ‌گاه گامی به سوی تکامل بر نمی‌داشت. اما تکامل، نفی مکانیکی پدیده‌ای میرا نیست، نفی دیالکتیکی آن‌هاست. یعنی بدون دست‌چین و گل‌چینی از همه عناصر مثبت تاریخ و سنت ملت‌ها، چرخ جوامع به جلو رانده نشده است. ملتی که در حال نتواند از گذشته برای آینده خویش درس بگیرد، سزاوار است که دیگران برای او تاریخ بنویسند و بسازند.

عید نوروز یکی از این سنت‌های نیکو و نقاط روشن در تاریخ کشورمان و نیز ملت‌های همسایه است که انسان می‌تواند از داشتن چنین سنتی به خود بیبالد و از گرامیداشت پرشکوه آن شرم‌منده نشود. جشن سال نو در زیباترین فصل سال، آن هم بر ویرانه‌های زمستان سرد و عبوس - که محرومان بیش از همه چهره زشت‌اش را به خاطر دارند. این جشن حکایت لشکرکشی‌های کبیر به ملل "صغیر" نیست که انسان آزاده ایرانی از آن شرم‌منده شود، هر چند که نژادپرستان آریایی از آن لشکرکشی‌های پرشکوه سرمست می‌شوند.

این ، عید قربان نیست که ابراهیمیان، اسماعیلیان را به مسلخ برند شاید بندگی‌شان نزد پروردگار مقبول افتد. عید نوروز عید زمینیان است، روز عاشقان طبیعت و محیط زیست، روز ستایش شادی، زندگی و بهار. بهاری که کمر زمستان را می‌شکند، زمستانی که سمبل سردی، تاریکی و انفعال است. این عید در يك کلام عید آدمیان است. عید آنان که نمی‌خواهند جوی‌های روان موجود را با جوی‌های آب موعود عوض کنند. بهشتی را که انقلاب طبیعت (بهار) در همین زمین واقعی در پیش روی مردمان ظاهر می‌کند، نمی‌تواند و نباید با بهشت وعده داده شده در آسمان محو شود. شادی دنیوی نمی‌تواند و شایسته نیست که در مسلخ جزا و سزای اخروی قربانی شود. این عید، شایسته پرشورترین گرامیداشت‌هاست، چون که از طراوت و رویش سخن می‌گوید، زیرا که سختی و لختی زمستان را از جان شیفته به دور می‌کند، چرا که انقلابی در طبیعت پدید می‌آورد که راه‌آورد آن چیزی جز خوشی و سرسبزی نیست. این عید، پرسه انسان است در قلمرو انسانیت.

اما انسان‌ها تشنه میوه ممنوعه‌اند و اکنون انسانیت یعنی که شادی و آزادی به یمن حکومت الله - حاکمیت آسمان بر زمین - میوه‌ایست ممنوع. به همین خاطر عید نوروز در موسم بهار جنبشی است از سوی "عوام" برای یورش به باغ ممنوعه "اعیان"!

خمینی می‌گفت "اسلام را گریه زنده نگه داشته است"، پس اگر ماردوشان عبا به‌دوش بخواهند از ریزش خیمه شرع انور حذر کنند، چاره‌ای جز زهر آلود کردن میوه‌های ممنوعه یعنی که شادی و آزادی (که بی‌عدالت، بی‌دوام خواهند بود) ندارند. به همین خاطر در ایران امروز، عید نوروز دیگر يك جشن و سنت ناتورالیستی صرف نیست، نمایش و همایشی‌ست سیاسی بین مردم جویای شادی و پایکوبی از يك طرف و پاسداران خواری و زاری از سویی دیگر.

اگر رژیم شاهی با پذیرش حق مردم برای گرامیداشت سمبلیک انقلاب طبیعت مواظب بود که جشن پایان زمستان به محملی برای پایان زمستان آریامهری تبدیل نشود که شد رژیم شرعی اما نه تنها از انقلاب اجتماعی بلکه از انقلاب طبیعی نیز می‌هراسد. مگر نه این‌که هر دو انقلاب، شادی را بر چهره دردمند مردم می‌نشانند؟ از این‌رو بی‌خیال‌ترین و غیرسیاسی‌ترین انسان‌ها نیز در ایران می‌دانند که با بزرگداشت عید، قدم در کارزار سیاسی گذاشته‌اند. اگر قرار است گریه و عزا و مرگ و خفقان، شیرازه حکومت اسلامی را از گسیختن رهایی بخشد، به طریق اولی خندیدن، پایکوبی، نونوار شدن و به قول ملایان "دنیاپرستی" اسباب سست شدن این شیرازه را فراهم خواهد نمود. اگر در گذشته پارهای از

ادامه از صفحه سه

## درس‌هایی از .....

عاشقان زندگی، به پای دارنده آتشکده مبارزه، برای هم‌نوایی با لگدمال‌شده‌ترین انسان‌های جامعه - همان‌ها که حتی قادر به جور کردن هفت سین سنتی نیستند- فریاد می‌زدند " عید ما روزی بود کز ظلم آثاری نباشد" ، اکنون ناگزیرند که برای رسیدن به عید جامعه \_جامعه مبتنی بر شادی، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی\_ با تمام قوا به رغم سفره‌های ناقص میلیون‌ها زحمتکش، به پیشواز عید طبیعت بروند و هم‌صدا با انبوه لگدمال‌شدگان، گلوله‌های خنده و شادی را به سوی حکام شلیک کنند. در طول این مصاف اما باید به توده‌ها گفت که اگر نخواهیم و نتوانیم دوش به دوش یکدیگر همراه با ذوب شدن آخرین تنمه‌های یخ‌های زمستانی، آخرین خاکریزهای جمهوری زمستانی ملایان را در میدان نبرد ، محو کنیم و اگر با درس‌گیری از انقلاب 57 هوشیارانه‌تر از همیشه با اپوزیسیون‌های رنگارنگ روبرو نشویم ( اپوزیسیون‌هایی که نباید به صرف مخالفت با حاکمان، حقانیت پیدا کنند) نخواهیم توانست بهار طبیعت را با بهار جامعه مضاعف کنیم. پس اگر نمی‌خواهیم شادی خود و کودکانمان تنها سبزه روز طول کشد، و اگر مایلیم این شادی عمری پایدار داشته باشد ناگزیر از پذیرش ضرورت انقلاب اجتماعی در ایران هستیم.

پس هم‌نوا با حافظ ندا سردهیم که:

*بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم*

*فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم*

*اگر غم لشگر انگیزد که خون عاشقان ریزد*

*من و ساقی بهم سازیم و بنیادش براندازیم*



### با ما ارتباط بگیرید

سر دبیر تک برگه

[arash.k@rahekargar.net](mailto:arash.k@rahekargar.net)

روابط عمومی سازمان

[public@rahekargar.net](mailto:public@rahekargar.net)

تلفن عمومی سازمان 49 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان 33-1-43455804

سایت رادیو برابری

[www.radiobarabari.net](http://www.radiobarabari.net)

سایت راه کارگر

[www.rahekargar.net](http://www.rahekargar.net)

سایت اتحاد چپ کارگری

[www.etchadchap.com](http://www.etchadchap.com)

**هر روزتان نوروز ، نوروزتان پیروز!**

**اعلامیه کمیته مرکزی سازمان****به مناسبت فرارسیدن نوروز****بهار فرامی رسد!**

راه انداختند تا به حکومت گریه و ناله نه بگویند، و حضور خود در صحنه مبارزه را به شکل گویایی بیان کنند، و یا چهارشنبه سوری ها و سیزده به در ها را به عرصه شادی و سرور زندگی تبدیل کردند تا به حکومت شادی کش و غم آفرین دهن کجی کرده باشند و سنت های نیکوی خود را پاس داشته باشند. گاه در اوج غم و اندوه همگانی در رودبار و بم به یاری مردم زیرآوار رفته و عزیز از دست داده شتافتند و هم یاری را علیرغم مزاحمت های نیروهای حکومتی به اوج رساندند تا پاس زندگی را داشته باشند. و گاه بر این تصور و توهم امید بستند که کمک نیروی خارجی می تواند آن ها از شر ملایان زر و زورپرست نجات دهد. اما حوادث کشورهای همسایه آن ها به خود آورد و نیک دریافتند که نه یک جناح حکومتی، نه یک نیروی خارجی و نه یک شارلاتان دیگر نمی تواند به نفع آن ها و برای شکل دهی و استقرار بهار آزادی کمک کند. این تنها نیروی مستقل و متشکل خودشان است که می تواند هم بهار آزادی را به شکوفه بنشانند و هم از این شکوفه های نورس دفاع کند و زندگی شایسته انسانی را تضمین نماید.

**پس زنده باد شور زندگی! و زنده باد بهار آزادی!**

**کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)**

**28 اسفند 1382-18 مارس 2004**



بهار فرامی رسد. و نوروز، روزی نو را نوید می دهد. این گردش زیبا، هر سال تکرار می شود، تا بهار زندگی طراوت و نشاط خود را از دست ندهد. اما بهار آزادی از چنین گردش هرساله ای برخوردار نیست. برای بهار آزادی باید جنگید و با چنگ و دندان از آن دفاع کرد. از 25 سال پیش، که مردم قهرمانانه بهار آزادی را آفریدند و شکوفه های معطر آن با داس روحانیون قدرت پرست درو شد؛ مبارزه برای بازآفرینی بهار آزادی، هر روز و هرماه و هر سال و در هر گوشه ایران ادامه دارد. در این مبارزه ی مداوم، مردم سرکوب های سختی را از سرگذراندند، قربانیان بی شماری دادند؛ و تجارب گرانبهایی کسب کردند. در ترکمن صحرا و کردستان به توپ بسته شدند؛ در تابستان 60 در خیابان ها تمام کش شدند؛ در پائیز 67 در زندان های عدل اسلامی به دار آویخته شدند؛ در زمستان 77 به شکل زنجیره ای به قتل رسیدند؛ و ....؛ اما دست از مبارزه برای آزادی و عدالت نکشیدند. در کارخانه ها و دانشگاه ها و محلات و ادارات مبارزات صنفی و سیاسی خود را تداوم بخشیدند؛ در شهرها و روستاها دست به شورش زدند؛ در اراک و شیراز؛ در قزوین و اسلام شهر؛ در گرگان و سراوان و در بم و شهر بابک نیروهای سرکوب روحانیت قدرتمدار و فقیهان مستبد را به چالش طلبیدند.

در این مبارزه ی مدام برای بازآفرینی بهار آزادی، مردم تاکتیک های بسیاری را تجربه کردند. در خرداد 76 یک جناح حکومتی را در مقابل حاکمان اصلی علم کردند و آن ها را به جان هم انداختند تا راه خود را هموارتر سازند. وقتی کارکرد این شیوه به پایان رسید، آنها را به حال خود رها کردند تا بی وزنی شان را به رخ شان به کشند و خود با تمام توان در مقابل حاکمان اصلی به ایستند و حق خودشان را از آن ها بگیرند. در مبارزه با قدرت مداران مستبد، به بهانه های گوناگون به خیابان ها ریختند و در شادی پیروزی های ورزشکاران جشن و پایکوبی

ادامه از صفحه یک

## مروری بر .....

بهین دلیل مقابله با آن و تقویت رشته های همبستگی در بین افشار مختلف و میان جنبش های گوناگون، بحق تبدیل به یکی از دغدغه های مهم مدافعان آزادی و برابری شده است.

چندروز پیش اطلاعیه ای با امضاء انجمن دانشجویان دانشگاه صنعتی سهند (نبریز) در حمایت قاطع از مطالبات معلمان و دفاع از سایر جنبش ها بعنوان مشی کلی این تشکل صادر گردید که در سایت های خبری هم منعکس گردید. گرچه صدور این بیانیه اندکی دیر هنگام صورت گرفت، باین همه انتشار آن در حد خود گام مهم و امیدوار کننده ای از سوی این دانشجویان محسوب می شود. باشد که بعنوان الگویی هم مورد استقبال سایر تشکل های دانشجویی و سایر جنبش های اعتراضی قرار گیرد و هم از مرحله ابراز حمایت لفظی، که در جای خود مهم و ضروری است، به مرحله حمایت عملی فراروید.

### 2- در دسرهای یک فتوا!

گاهی ادای یک جمله کوتاه - بویژه در مقاطع حساس - می تواند از خوارها مقاله افشاگر مؤثرتر باشد. بنظر می رسد برخی رندان با وقوف به برد نیرومند این گونه اظهار نظرات، این بار پوست خربزه را زیر پای شخص رهبرانداخته و با بهره گیری از شیع زاید الوصفی که از اتلاق مرجع تقلید به وی دست می دهد، طی استفتائی او را بسمتی کشانده اند که با یک فتوای دوسطری، کوزه شیر را واژگون ساخته و تمام تلاش هایی را که طی سالیان دراز صرف اثبات "مستصف پناهی" شده است بیاد دهد. از حق نباید گذشت پوست خربزه مزبور چندان لغزنده بوده است که رهبری با گذاشتن پای خود به روی آن، حتی شگرد معمول صادرکنندگان فتوا مبنی بر صدور حکم عام بدون اشاره به مصادیق را فراموش کرده و به صدور حکم مشخص در مورد مصداق هم پرداخت است. نتیجه آن که نظراعلام شده متأثر از مقام توأمان مرجعیت و ولایت، هم خصلت فتاوی رهبران مذهبی را یافته و هم حکم حکومتی والیان را.

البته خامنه ای اگر عقل متعارفی در چنته می داشت می توانست زیرکانه تر عمل کرده و مثلاً بگوید در چنین مواردی مطابق "قانون" عمل شود. قانونی که وضع کردنش برای دستگاه ولایت نباید سخت تر از پختن نان در تنور باشد. باین ترتیب می شد هم حرمت ظاهری قوانین خود ساخته را حفظ کرد و هم با صدور پی درپی احکام حکومتی میلیون ها شهروند و میلیون ها زحمتکش را این سان بطور بیواسطه در برابر نظام و شخص ولی فقیه قرار نداد.

معهداً صدور فتوا در شرایط کنونی را نباید تصادفی تلقی کرد. چرا که مرحله کنونی مرحله حذف باصلاح حاکمیت دوگانه در بالاست. و این به معنای آنست که با

قیضه کامل قوه مقننه و درگام بعدی تسخیر سنگرقوه مجریه دیگر این جناح تمامیت گراست که خود را مستقیماً در مقام پاسخ گوی به تمشیت عمومی می یابد. و بر همین پایه هم اعتصابات کارگران مستقیماً به معنای رودرروئی با جناح حاکم تلقی می شود. در هر حال ورود به عصر خلافت اسلامی مترادف است با صدور متوالی احکام حکومتی. در این دوره همان گونه که فقهای شورای نگهبان هم اظهار داشته اند، حکم ولی فقیه و حتی فرمایشات ایشان بالاتر از مقام قانون قرار دارد. علاوه بر آن در شرایطی که اکثریت بزرگی از مردم با تحریم گسترده نمایش انتخابات به کل حاکمیت پاسخی کوبنده داده اند، و جنبش معلمان و سایر اعتراضات صنفی-اجتماعی نوید دهنده یک برآمد گسترده از جنبش های گوناگون اجتماعی است، صدور حکم حکومتی برای مقابله با آن از لوازم بقاء محسوب می گردد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که اولاً برای بازجویان مقامات قضائی مصداق جدیدی علیه اقدام علیه امنیت کشور فراهم شده است و ثانیاً از آن جا که مبارزه و اعتصاب تعطیل بردار نیست، از این به بعد سردمداران نظام باید هر روز شاهد لگدمال شدن حکم حکومتی ولی فقیه باشند. و ثالثاً صدور حکم مزبور دست و پای نهادهای وابسته به حاکمیت در میان کارگران و زحمتکشان را بدجوری در پوست گردو قرار داده است (همان گونه که در مصاحبه اخیر یکی از دست اندرکاران خانه کارگر با یکی از رسانه های خارج شاهدهش بودیم). و بالاخره حکم فوق نشان دهنده آن است که در جمهوری اسلامی هر مبارزه ساده و اولیه ولو آن که در ذات خود غیرسیاسی باشد، بلافاصله و بطور مستقیم با سد دستگاه ولایت و وجود نظام حاکم مواجه می شود و مردم ناگزیرند که در خلال پیشبرد مبارزات و مطالبات روزمره به سرنگونی رژیم نیز بیاورند.

هنوز چند روزی از صدور فتوا و حکم حکومتی فوق نگذشته است که رندان خواب تازه ای دیده و پوست خربزه دیگری را این بار زیر پای فقهای شورای نگهبان پرتاب کرده اند: معنای کلمه "رجال" در قانون اساسی در مورد شرط مذکور بودن رئیس جمهور و این که در نظام جمهوری اسلامی آیا اصولاً زنان-بدیهی است آن دسته زنان شیعه و معتقد به تمامی موازین نظام- می توانند کاندیدای ریاست جمهوری بشوند یا نه؟. روزنامه جمهوری اسلامی مبادرت به این گونه شیطنت ها را سخت مورد مذمت قرار داده و مدعی شده است که طراحان سؤال فوق با علم به نظر و نوع پاسخ شورای نگهبان این پوست خربزه را انداخته اند! در هر حال باید منتظر ماند و دید که چه کسی پایش را روی این پوست خربزه می گذارد؟

### 3- اندر معنای اصلاح طلبی

یکی از تناقض های موجود در منطق اصلاح طلبانی که گاهای زست اپوزیسیون بودن را هم می گیرند، آنست که قائل به استقلال بین هدف ها و شیوه های مبارزه هستند. بر اساس این منطق مثلاً می توان در هدف دنبال یک

ادامه از صفحه شش

اطلاعیه مشترک شش حزب و سازمان سیاسی

## پیرامون تظاهرات مردم در شهرهای کردستان ایران

مروری بر .....

چند شهر کردستان، در روزهای اخیر شاهد اجتماعات مردمی و سپس درگیری مأموران حکومتی با اهالی این شهرها بوده اند. برپایه گزارشات رسیده، در پی اعلام تصویب قانون اساسی موقت عراق از طرف شورای موقت حکومتی این کشور که در آن حقوق مردم کردستان عراق در چارچوب کشور عراق به رسمیت شناخته شد، هم میهنان کرد ما بمنظور نشان دادن استقبال و شادی خود از این واقعه، دست به تجمع هایی در سنندج، بانه، سقز، مریوان و پیرانشهر زدند و از این تصمیم حمایت کردند. این تجمع ها اما در همه این شهرها و در ابعاد متفاوت با دخالت و واکنش نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی مواجه شد و در نتیجه موجب حمله مأموران حکومت به اهالی گردید. در اثر این تنش ها تاکنون دهها نفر از اهالی کردستان مجروح شده اند و گفته می شود که یکی از تظاهرکنندگان زخمی در بیمارستان جان سپرده است. صدها نفر از جوانان سنندج، مریوان، سقز، بانه، مهاباد، بوکان و پیرانشهر توسط مأموران بازداشت شده اند و به ده ها ساختمان دولتی و نظامی در این شهرها خسارت وارد آمده است. مطابق آخرین گزارشات در این شهرها حالت حکومت نظامی اعلام نشده برقرار گردیده و نیروهای رژیم در خیابان ها و میدانی این شهرها مستقر هستند. ما امضاکنندگان این اطلاعیه، با حمایت از حق طبیعی مردم کردستان ایران در همبستگی با مردم کردستان عراق، دخالت های تحریک آمیز مأموران جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم و خواستار آزادی بی قید و شرط و فوری همه بازداشت شدگان تظاهرات اخیر کردستان هستیم. حکومت جمهوری اسلامی که تاکنون با سرکوب گسترده و پیوسته مردم کردستان و انکار خشن خواست های ملی آنها، بیپوده و ناکام، خواسته است آرامش گورستانی در این منطقه از میهنمان برقرار کند، نمی خواهد بداند که مطالبات ملی مردم کردستان و پشتوانه مبارزاتی این مطالبات چنان در این مردم ریشه دار است که هر خبری و واقعه ای در پیوند با این خواست ها، در هر کجا که باشد، عکس العمل آنان را بدنبال خواهد آورد. سرکوبگران حاضر نیستند چشم بر علت ها باز کنند، اما آماده سرکوب معلول ها هستند. ما همواره گفته ایم و باز تکرار می کنیم که حل مساله ملی در کردستان و درسراسر ایران، تنها از طریق سیاسی و فقط با پذیرش حقوق دموکراتیک کردها و دیگر خلق های ساکن ایران میسر است. مردم کردستان ایران حق دارند که با کردهای عراق و ترکیه ابراز همبستگی کنند ولی بیشتر از آن از این حق برخوردارند که خواست های ملی و دموکراتیک خود را در ایرانی آزاد و دموکراتیک محقق ببینند. تا این حق تامین نشود، جرقه مقاومت های مردمی و سرکوب های حکومتی بر جای خود پا برجاست و در نهایت، پیروزی از آن مردم کردستان ایران می باشد. ما همه آزادیخواهان را فرا میخوانیم که از خواسته های برحق مردم کردستان پشتیبانی کنند.

26 اسفند 82

اتحاد انقلابیون کردستان

سازمان اتحاد فداییان خلق ایران

حزب دمکرات کردستان ایران

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران

کومه له - سازمان انقلابی زحمتکش کردستان

جمهوری لائیک بود(همان گونه که برخی از آن ها 25 سال است دنبالش هستند) و لی درعمل پای بند مبارزات "قانونی". علوی تبار این دوگانگی را تحت عنوان هدف های "انقلابی" و شیوه های اصلاح طلبانه فرموله کرده است. اما از آن جاکه تناقض فوق در روند اجتناب ناپذیر قطب بندی مبارزات سیاسی و اجتماعی تشدید می گردد، بناچار یا باید هدف های باصلاح انقلابی را تقلیل داد و آن ها را مات کرد و یا آن که شیوه ها را متناسب با هدف ها ارتقاء داده و کارآ ساخت. خود علوی تبار درکشاکش بین این دو، بر تقلیل هدف یعنی تبدیل دمکراسی به مردم سالاری دینی تأکید کرده و یا پیش کشیدن اسلامی بودن جامعه، عملا با جدائی دین از حکومت به مخالفت برمی خیزد. او حتی به نحوی از جنایات گذشته رژیم دفاع کرده و می گوید اگر قرار به انتقاد از گذشته باشد باید هم رژیم و هم اپوزیسیونی که بزعم وی دمکرات نبوده است، هم زمان و هم از مورد انتقاد قرارگیرند! محسن آرمین نیز در سخنانی که بمناسبت استعفایش از نمایندگی مجلس ابراز کرد، فرصت را برای دفاع از گذشته پرافتخارش از دست نداد.

اخیرا روزنامه شرق مصاحبه ای با محسن میردامادی رئیس کمیسیون امنیت مجلس و یکی از عناصر کلیدی اصلاح طلبان مغضوب جناح حاکم بعمل آورد. او در این مصاحبه می گوید "وقتی ما به عنوان یک جریان اصلاح طلب می خواهیم اصلاحات انجام دهیم، یعنی که کلیت نظام را پذیرفته ایم و می خواهیم همین نظام را اصلاح کنیم و نمی خواهیم نظام دیگری بوجود آوریم". بگفته وی کسانی که حاضرند در چارچوب قانون کارکنند خودی محسوب می شوند و کسانی که حاضر نیستند در چارچوب قانون کارکنند غیرخودی. بر همین پایه همکاری و ائتلاف جبهه مشارکت با بخش سنتی و یا بخش مدرن بدان سبب است که هیچ کدام قصد ندارند نظام دیگری را جایگزین نظام جمهوری اسلامی کنند.

پارادوکس موجود در منطق اصلاح طلبان باصلاح پیگیر و تحول طلب و آنانی که در تحلیل نهانی هم چنان به امکان تمکین رژیم دخیل بسنه اند، با تنگ تر شدن هرچه بیشتر مجاری "قانونی" بیشتر می شود. آن ها همان طور که محسن میردامادی می گوید یا باید فکر تغییر نظام را بالکل کنارزنند و یا آن که پای به وادی مبارزات فرافانونی بعنوان یکی از مختصات دوره جدید بگذارند.

27 اسفند 82

\*\*\*\*\*

## ائتلاف آبادگران یا اتحاد غارتگران؟!

### جمشید پدرام

ولی مطلقه فقیه و مولفین رنگارنگش پس از پایین کشیدن پرده نمایش قلابی انتخابات آقایان احمد توکلی و حداد عادل، دوتن از مهرهای اصلی خود را به پیش صحنه فرستادند تا بعنوان اعضای ثابت مجلس هفتم گوشه هایی از برنامه آینده حاکمیت را اعلان کنند. آنها در زمینه آزادی های سیاسی، اقتصاد و رابطه با خارج مخصوصا با آمریکا نسبتا به تفصیل مصاحبه کردند. پرداختن به هر سه زمینه از حوصله این نوشته خارج است، اما از آنجا که هر دو این نمایندگان بر "خدمت رسانی به مردم"، "خدمت بیشتر به مردم"، "رفع فقر و فساد و بیکاری"، "مابه رشد عدالت محور و توزیع درآمد بین تمام قشرها توجه می کنیم". و شعار: پیشرفت، خدمت و کار برای مردم (1). بسیار داد سخن داده اند، جادارد ببینیم آقایان چگونه می خواهند این عدالت محوری را پیش ببرند!!

وقتی مصاحبه کننده از آقای توکلی می پرسد این احتمال وجود دارد که مجلس هفتم از ذخایر صندوق ارزی برای زمینه سازی جهت انتخابات ریاست جمهوری استفاده کنند، در پاسخ ایشان جواب میدهد: "البته اگر تا آن زمان چیزی از صندوق ارزی باقی بماند! صندوق ارزی تاسیس شد تا مازاد ارزی در آن ذخیره شود به نحوی که 50 درصد از آن برای رشد اقتصادی استفاده و 50 درصد آن هم ذخیره بماند که از سال 79 تا الان همواره بیش از 50 درصد از درآمدهای ارزی از آن برداشت شده است." (2) آقای عادل حداد در پاسخ به همین سوال پس از طفره رفتن از پاسخ به اصل سوال میگوید "البته انکار نمی کنیم که طبعا عملکرد مجلس هفتم در مسایل سیاسی از جمله انتخابات ریاست جمهوری موثر خواهد بود." (3)

آقای محمد حسین ادیب از جمله کارشناسان اقتصادی است که یک قلم از پولی را که این آقایان می خواهند غارت کنند در مقاله 13 مارس خود تحت عنوان "تغییر نگاهی استراتژی اقتصادی ایران" بر ملا می کند. او در این مقاله که در تار نمای اخبار روز آمده مینویسد: "تصویب شش و نیم میلیارد دلار از حساب ذخیره ارزی به معنای تورم حد اقل 25 تا 30 درصد در سال 83 خواهد بود و این در شرایطی است که تورم به طور متوسط طی 5 سال گذشته پانزده درصد بوده است." (4) یعنی باید اولین گام نامیمون آقایان را در راه "خدمت به مردم" دوبرابر شدن تورم بدانیم

آقای ادیب در همین مقاله اشاره میکند که بانک مرکزی باید طی سه سال آینده همچون سه سال گذشته سالانه سه میلیارد دلار وام خارجی بپردازد که به قیمت کنونی میشود 2400 میلیارد تومان. این مبلغ را بانک مرکزی نمیتواند پرداخت کند زیرا درآمد نفت به جیب دولت ریخته میشود و بانک مرکزی در واقع بانک مرکزی امروزه یا با چاپ اسکناس سرپاست یا ذخیره قانونی. ذخیره قانونی، اما، طبق گفته آقای حسین ادیب 16 درصد است و مهمترین منبع پولی بانک برای وام دادن دولت. اما دولت وامی که از بانک مرکزی "اخذ میکند را پرداخت نمی کند و اگر پرداخت کند حالت حسابداری دارد

تا واقعی، به عبارت دیگر گاهی بخشی از بدهی خود را به بانک مرکزی با یک چک پرداخت میکند و مجددا آن را با یک چک به عنوان وام باز پس میگیرد." (5) آنچه بر سر پول مردم رفته اینست که از بانک مرکزی اخذ و به مصرف حقوق کارمندان رسیده است.

به بیان ساده حکومت جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه کل درآمدهای حاصله از نفت و دیگر ذخایر زیرزمینی را غارت میکند و هیچ کارشناسی هم نمی پرسد یا جرات نمیکند بپرسد این درآمدها کجا می رود که دولت باید برای پرداخت حقوق کارمندان به حساب جاری و پس انداز مردم دست درازی کند، در همین مدت کوتاه 16 درصد پول حقیقی موجود مردم را نیز چپاول کرده است. این وضعیت درست سه سال پس از تحلیل آقای علی رشیدی استاد دانشگاه تهران است که گفته بود طبقه سیاسی حاکم طی دوده گذشته بیش از 400 میلیارد دلار درآمدهای ارزی ایران از محل صادرات نفت،

صادرات غیر نفتی، موجودیهای ارزی و طلب های ارزی ایران از کشورهای مختلف و نیز وامها و اعتبارات اخذ شده را بالا کشیده است. تعجب آور اینکه آقای حسین ادیب در عین حال که به درستی اشاره میکند که: "یک موج توری در کشور ایجاد میشود که برنده آن طبقه یک کشور است. تورم 30 درصدی پولدار را پولدارتر میکند و فقیر را فقیرتر." (6)

راه برون رفت راه چه خصوصی کردن داریبهای دولتی میدانند. این راه حل نولیبرالی حتی در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری جز فاجعه برای مردم ارمغان دیگری به همراه نداشته است. کافی است آقای ادیب نتایج تحقق این سیاست که خانم تاجر و شرکای دیگر او در اروپا پیش بردند را بررسی کند، آنگاه برای بررسی دقیق تر به اندازه کافی آمار و ارقام در اختیار خواهد داشت. بلایی که دولت تاجر و شرکای سرمایه دار خصوصی اش بر سر بهداشت، درمان و راه آهن انگلیس آوردند هنوز هم جبران نشده و آنچه در این باره هر روز مینویسند نشان میدهد که برای جبران آن در آینده نزدیک هم چشم اندازی در کار نیست. اما در کشور ما این راه کار هم تاکنون چندین بار تجربه شده و جز بیکار سازی های گسترده حاصل دیگری نداشته است. تازه این راه کار فقط برای تثبیت وضعیت به شکل کنونی آن است که نتیجه اش رادر اعتصابات و اعتراضات مزد و حقوق بگیران و هزاران کارگر و کارمند بی کار و مستاصل هر روز شاهدیم. دلم سرطانی را نمیتوان با مسکن معالجه کرد. راه حل برداشتن کامل آن است. پیش صحنه ظاهر شدن آقای توکلی و حداد عادل بار دیگر نشان داد که مردم در "نه" گفتن به کل رژیم تاچه حد بر حقد و تاجرا با عوام فریبی اینان آشنا.

شکوفایی هر چه بیشتر این بیداری در آستانه سال نو آرزوی ماست.

#### زیر نویسها:

- 1- مصاحبه احمد توکلی و حداد عادل بایسنا مندرج در تار نمای اعتماد
- 2، 3 - همان مصاحبه
- 4- مقاله محمد حسین ادیب در تار نمای ایران چاپار.
- 5 و 6- همان مقاله



## مردم در روز چهارشنبه سوری ،

## آتشی به وسعت ایران بپا کردند !



بر اساس گزارشهای رسیده از شهرهای مختلف ایران، مردم و به ویژه جوانان جشن چهارشنبه سوری امسال را با شکوه هر چه تمامتر برگزار کردند. در تهران جوانان دلیر در خیابان سجاد نارنجک و ترقه پرتاب کرده و عکس خامنه ای را به آتش کشیدند. به رغم اینکه نیروهای سرکوبگر در صحنه حضور داشتند جوانان شعار می دادند توپ تانک بسیجی ، دیگر اثر ندارد . در خیابان اریا شهر تهران جوانان دختر و پسر در حالیکه از روی آتش می پریدند علیه سران حکومت شعار می دادند. جوانان تهران علاوه بر عکس خامنه ای، پرچمی را که ارم عقرب جمهوری اسلامی روی آن بود به آتش کشیدند. ماموران نیروی انتظامی که در محل حضور داشتند جرات نزدیک شدن به جوانان را نداشتند. در کرمان در خیابان شهدا در حالیکه صدای انفجارهای پی در پی ترقه و فشفشه لحظه ای قطع نمی شد ، مردم و جوانان یک خودروی پلیس را به آتش کشیدند. آنها فریاد می زدند فراندوم فراندوم ، این است شعار مردم. جوانان کرمانی مترسک خامنه ای ولی فقیه رژیم اسلامی را به آتش کشیدند. در تبریز ، قزوین ، چالوس ، کرمانشاه ، سنندج و بسیاری دیگر از شهرهای ایران مراسم مشابهی برگزار شد. در جریان مراسم چهارشنبه سوری در فردیس کرج مردم به منزل امام جمعه جنایتکار این شهر حمله کرده و آن را به آتش کشیدند. جوانان با نیروی گارد ضد شورش درگیر شده و به سوی آنها نارنجک پرتاب می کردند. جوانان شعاری علیه سران

حکومت می دادند و خواست عمومی فراندوم را فریاد می زدند. از جمله شعارهای این حرکت اعتراضی عبارت بودند توپ تانک ، مسلسل ، دیگر اثر ندارد . آنان خطاب به انصار حزب الله می گفتند شیره ای برو گمشو . جوانان همچنین خاتمی رئیس جمهور اسلامی را نیز مسخره کرده و با ضرب تمبک علیه او شعار می دادند.

گزارشهای دیگر حاکیست که در فلکه هفت حوض نارمک نیز هزاران نفر جمع شده و به آتش بازی مشغول شدند. در شهرک غرب و میدان انقلاب تهران جوانان آتش برپا کرده و زیر پای ماموران انتظامی که در محل ایستاده بودند ترقه پرتاب می کردند. سراسر منطقه را دود فرا گرفته بود. در مقابل کوی دانشگاه تهران جوانان با نارنجک به یکی از اتوموبیل های مرسدس بنز نیروی انتظامی حمله کردند. در این منطقه چند بسیجی که قصد حمله به دانشجویان را داشتند در یک اقدام دلیرانه توسط جوانان محل با ترقه و نارنجک دستنی مورد حمله قرار گرفتند که منجر به مجروح شدن و گریختن بسیجی ها شد. یکی از بسیجی ها که در حال دستگیری یک دانشجو بود توسط یکی از جوانان شجاع با نارنجک دست ساز مستقیماً مورد حمله قرار گرفت و به شدت مجروح گردید. مردمی که شاهد این صحنه بودند شروع به کف زدن کردند. در همین حال دانشجویان شعار می دادند ملت دانشجو ، اتحاد اتحاد = دانشجو معلم کارگر ، اعتصاب اعتصاب = دیکتاتور حیا کن ، مملکتو رها کن . بنا به گزارش دیگری در کوی نصر تهران ساعت 10.45 دقیقه شب در میان نیروهای ضد شورش که با تجهیزات کامل مستقر شده بودند انفجار مهیبی رخ داد که باعث مجروح شدن حداقل بیست تن از آنان گردید. شدت انفجار به حدی بود که تمام منطقه را به لرزه در آورد. در شهرهای دیگر کشور نیز مراسم مشابهی برگزار شد. در چالوس صدای نارنجک و ترقه در همه جا طنین افکن بود. جوانان این شهر روی یک بادکنک بزرگ نوشته بودند فراندوم فراندوم ، راه نجات مردم. در قزوین در خیابان هادی عباد جوانان یک خودروی پلیس را آتش زدند. در اردبیل علیرغم اینکه امام جمعه جنایتکار این شهر مردم را از برگزاری مراسم چهارشنبه سوری منع کرده بود اما تمام مردم و جوانان به خیابانها ریخته و این جشن ملی را برگزار کردند. در شهر سراب در اذربایجان مردم و جوانان نیروهای بسیجی را که قصد بر هم زدن مراسم را داشتند فراری دادند.

\*\*\*\*\*

گزارشهای تکمیلی از جشن چهارشنبه سوری در شهرهای مختلف ایران حاکیست که این مراسم در بسیاری از مناطق به درگیری با ماموران حکومتی کشیده شده است. در مشهد جشن سنتی چهارشنبه

راه رسیدند. مردم با پیاده کردن راننده ها از اتوبوس با سردادن شعارهایی علیه جمهوری اسلامی ابتدا شیشه های اتوبوس ها را شکستند و سپس با نارنجک اتوبوسهای زرد را به قول خودشان پلنگی کردند. روزنامه حکومتی جمهوری اسلامی نیز طبق معمول جوانان ایرانی را ارازل و اوباش نامید و نوشت این عده به بهانه چهارشنبه سوری اقدام به رقص و پایکوبی کردند بطوریکه تا حدود ساعت 12 شب بعضی از معابر را مسدود نمودند. این روزنامه نوشت از کرمان نیز خبر میرسد عده ای در محل جاده هفت باغ حضور یافته و به بهانه برگزاری مراسم چهارشنبه سوری اقدام به رقص و پایکوبی نمودند و با آتش و روشن کردن مواد محترقه به اسفالت جاده و تابلوهای نصب شده در بلوار خساراتی وارد آوردند. ( به نقل از سایت پیک ایران )

### تظاهرات کارگران شرکت لوله سازی اهواز

به دنبال عدم دریافت بیش از 8 ماه حقوق کارگران شرکت لوله سازی خوزستان کیلومتر 9 جاده اصلی اهواز را بستند. ابوطالبی دبیر اجرایی خانه های کارگر جنوب کشور به اینها گفت: کارگران شرکت لوله سازی خوزستان که حدود 8 ماه است حقوق و مزایا دریافت نکرده اند، در پی دریافت وام 500 میلیون تومانی مدیریت و عدم دریافت حقوق معوقه دست به واکنش های مختلفی زدند. وی افزود: مدیریت 500 میلیون تومان وام دریافت کرده اما ادعا می کند این مبلغ 300 میلیون تومان است و تا امروز نیز از پرداخت حقوق کارگران خودداری کرده است که به دنبال آن کارگران از این اقدام مدیریت خشمگین شده و اقدام به بستن جاده اصلی اهواز کردند.

ابوطالبی گفت: از آنجایی که کارگران این شرکت از روستاهای اطراف هستند، اهالی روستاها نیز به جمع آنان پیوستند و در حال حاضر هر دو باند جاده بسته است و کارگران معترض اقدام به آتش زدن لاستیک در وسط جاده کرده اند.

وی افزود: کارگران این شرکت که بیش از 500 نفر هستند دو روز قبل در چهار راه اصلی شهر تجمع کردند، اما هیچ پاسخی از مسوولان نشنیدند و روز گذشته نیز این اعتراض ها ادامه داشته که در نتیجه به این نقطه رسیده است.

ابوطالبی گفت: با توجه به روند تجمع و اینک هر لحظه به جمع کارگران معترض افزوده می شود، احتمال درگیری وجود دارد و انتظار می رود مسوولان قبل از بروز هرگونه معضل جدی اقدامی عاجل به عمل آورند.

### تجمع اعتراضی صیادان در بندر انزلی

جمعی از صیادان زحمتکش شناورهای ماهی کیلکا در گیلان برای دومین بار در محل اداره کل شیلات استان در بندر انزلی تجمع اعتراضی بر پا کردند. این تجمع روز سه شنبه صورت گرفت و صیادان خواستار پرداخت سریعتر خسارات تعیین شده توسط دولت

سوری با دخالت نیروهای انتظامی به خشونت کشیده شد. از ساعت شش بعد از ظهر تمام خیابانهای منتهی به بلوار سجاد توسط ماموران انتظامی مسدود گردید و مردم از کوچه پس کوچه ها خود را به محل مراسم میرساندند. صدای انفجار ترقه و نارنجک های دستی با ورود نیروهای ضد شورش هر لحظه زیاد تر می شد. این نیروها به همراه لباس شخصیها با باتوم و کمر بند به جان جوانها افتاده و آنها را وحشیانه کتک می زدند. جوانان نیز در جنگ و گریز با این ماموران تا پاسی از شب مراسم چهارشنبه سوری را برگزار کردند. در یزد حدود سه هزار تن از مردم و جوانان این شهر تجمع کرده و مراسم چهارشنبه سوری را برگزار کردند. در خیابان اصلی صفائیه قبل از میدان اطلسی یک جوان ترقه ای انداخت که یک مامور انتظامی او را بطور وحشیانه ای کتک زده و بازداشت نمود. مردم حدود ساعت هفت شب شروع به ترقه انداختن و منفجر کردن نارنجک و فشفشه کردند. ساعت هشت و سی دقیقه حدود صد نفر از جوانان به سر دسته لباس شخصیها حمله کرده و او را به شدت گوشمالی دادند. از ترس گسترش اعتراض مردم و جوانان، یگان ویژه ضد شورش وارد صحنه شد اما جوانان بی اعتنا به آنها یکصد و شصت نفر دادند توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد -

جمعیت سپس بطرف خودروهای پلیس حمله کرده و تمام شیشه های آن را شکستند. ماموران انتظامی از ترس خشم مردم پا به فرار گذاشتند. در تهران در خیابان بیست و یک متری دهقان دسته های موتور سوار که از بسیجیها و چماقداران رژیم بودند به پسران و دختران حمله ور شده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار می دادند. آنها مردم را وادار می کردند به داخل خانه های خود بروند. در این میان دو تن از ماموران لباس شخصی به طرز وحشیانه ای به یک نوجوان یورش برده و به شدت او را مورد ضرب و شتم قرار دادند بطوریکه وی را به بیمارستان منتقل نمودند. در میدان محسنی تهران به رغم تدابیر شدید امنیتی جوانان مراسم چهارشنبه سوری را برگزار کردند. این جوانان با انداختن ترقه به سوی نیروهای انتظامی در برابر یورش آنان مقاومت می کردند. در ساعت 9.30 دقیقه شب انفجار شدیدی در میدان محسنی روی داد که خساراتی وارد ساخت. در هفت حوض و فلکه دوم نیروی هوایی حدود 10 هزار نفر از مردم و جوانان تجمع کرده و با انفجار ترقه و نارنجک های دست ساز مراسم چهارشنبه سوری را گرامی داشتند. ساعت 11 شب ماموران سرکوبگر به جمعیت یورش بردند اما این یورش در فلکه دوم نیروی هوایی باعث درگیری شد. جوانان خشمگین شیشه های بانک ملی و صادرات را شکستند. ماموران حکومتی که با 15 دستگاه مینی بوس و تویوتا به محل آمده بودند به جوانان حمله کردند که با مقاومت آنان روبرو شدند. جوانان منطقه شادآباد تهران نیز در شب چهارشنبه سوری به شعار دادن علیه جمهوری اسلامی پرداخته و شیشه های اتوبوس های شرکت واحد را شکستند و با ماموران سرکوبگر انتظامی درگیر شدند. سایت حکومتی بازتاب متعلق به محسن رضائی به گوشه ای از این اعتراض مردم اعتراف کرد و نوشت در این منطقه فقیر نشین تهران (شادآباد) که یک پارکینگ اتوبوسهای شرکت واحد در آن قرار دارد در شب چهارشنبه سوری مراسم آتش بازی و پایکوبی برپا بود که اتوبوسهای شرکت واحد از

۶. تعیین زمان مشخص به منظور اعطای اقامت به پناهندگانی که سالها بدون دریافت اقامت مطمئن در آلمان هستند از همه انسانهای آزاده می خواهیم از پناهجویان متحصن حمایت کنند."

در همین رابطه هم رادیو برابری و هم رادیو فردا گفتگوهایی با " عادل مرادی " یکی از سازماندهندگان این حرکت اعتراضی داشته اند و خبر حرکت نیز انعکاس وسیعی در رسانه ها داشته است .

## تظاهرات جهانی علیه جنگ ، در سالگرد اشغال عراق !

در روز شنبه 20 مارس ، به انگیزه سالگرد اشغال نظامی عراق توسط امپریالیسم امریکا و متحدینش ، مارشی عظیم و صلح طلبانه در بسیاری از کشورهای جهان برپا شد . شرکت کنندگان در این تظاهرات بین المللی ، ضمن مخالفت با جنگ و دفاع از صلح ، دست به افشای اهداف واقعی دولت بوش از تهاجم به عراق زدند و معتقد بودند که این جنگ ، عوض مبارزه با " تروریسم " سبب رشد نجومی آن شده است .

در ونکوور کانادا این تظاهرات با شرکت حدود سی هزار نفر برگزار شد . نوام چامسکی ( اندیشه پرداز مترقی و معروف امریکایی ) یکی از سخنرانان اصلی تظاهرات ونکوور بود .



عکسی از شرکت نوام چامسکی در تظاهرات ونکوور

شدند. این گروه از صیادان اعلام کردند تا زمانیکه خسارت تعیین شده آنها پرداخت نشود به اعتصاب جمعی خود ادامه خواهند داد. رئیس انجمن صنفی صیادان کیلکا گیلان میانگین بدهکاری هر شناور صیادی در استان گیلان را 700 تا 800 میلیون ریال ذکر کرد و گفت صید ماهی کیلکا در سال جاری 90 درصد کاهش یافته است. لازم به ذکر است که 110 فروند شناور در استان گیلان به صید کیلکا اشتغال دارند.

## ۱ تظاهرات ایستاده در لندن در حمایت از اعتصاب معلمان

در تاریخ شنبه 24 اسفند برابر با 13 مارس در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در شهر لندن تظاهرات ایستاده ای برپا شد. تجمع کنندگان با حمل پلاکارد، دادن شعار و پخش اعلامیه بر خواستهای برحق معلمان پای فشردند و سیاستهای رژیم اسلامی در عدم پاسخگویی به این خواستها و نیز دستگیری و ارباب رهبران این حرکت را محکوم نمودند.

حمایت از حرکات اخیر مردم کرد در شهرهای کردستان ایران بخشی دیگر از خواسته های تظاهر کنندگان بود.

این حرکت بدعوت کمپین دفاع از مبارزات مردم ایران و نیز تعدادی از سازمانهای چپ ایرانی از جمله سازمان ما برگزار شد.

## اعتراض گسترده پناهجویان ایرانی در لایپزیگ ( آلمان )

گروهی از پناهجویان ایرانی با تمایلات سیاسی متفاوت که در خانه های پناهندگی در شهر لایپزیگ زندگی می کنند، در اعتراض به فشار فزاینده روحی، اجتماعی و اقتصادی در خانه های پناهندگی و نیز در اعتراض به رفتار ناپاکسان و بی ضابطه مقامات تصمیم گیرنده با پناهندگان دست به تحصنی به مدت ۹ روز در مرکز شهر لایپزیگ زدند.

پناهندگان متحصن لایپزیگ خواستهای خود را تقریر کرده و طی اعلامیه ای در سایتهای فارسی اینترنتی و نیز به زبان آلمانی منتشر کرده اند. این اعلامیه به احزاب سیاسی و مقامات دولتی تصمیم گیرنده در باره پناهندگان در آلمان عرضه گشته است.

پناهجویان خواستهای خود را چنین بیانداشته اند :

۱. به رسمیت شناختن حق پناهندگی با توجه به نقض حقوق بشر در ایران
۲. استفاده از وکلای رایگان در جریان پناهندگی
۳. عدم اخراج متقاضیان پناهنده برای کشورهای میث ایران که شکنجه و اعتراف گیری خشن در قانون گذاری آن منظور است
۴. لغو قوانین مربوط به اخراج به کشورهای سوم
۵. لغو تبعیض و تأمین حداقل استاندارد زندگی برای پناهجویان، از جمله سکونت در منزل، دریافت کمک به شکل پول نقد، آزادی رفت و آمد، اجازه کار و انتخاب آزادانه پزشک

اقدامات سرکوبگرانه سعی کرده که با شایعه استعفای مقدار نجف نژاد اوضاع را آرام کند.

شورش مردم فریدون کنار که نمونه تازه ای از سلسله اعتراضاتی است که در سراسر کشور علیه نحوه برگزاری انتخابات فرمایشی مجلس هفتم روی میدهد بخوبی نشان میدهد که تحریم گسترده انتخابات توسط مردم ایران نه یک اقدام منفعل بلکه حاکی از خشم و انرژی مترکمی است که در اعماق میخروشد و شورش مردم فریدون کنار جرعه ای از این آتش فشان است که امید است بزودی پوسته استبداد دینی را ذوب و ویران سازد.

با درود به مردم قهرمان فریدون کنار و آرزوی تداوم مبارزات آزادیخواهانه آنان و تمامی مردم ایران!

**کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران**

25 اسفند 1382 / 15 مارس 2004



**= پوزش =**

به دلیل تراکم مطالب و گزارشات ، قادر به چاپ بخش دوم دیدگاه شهاب برهان ، نبودیم ضمن پوزش از خوانندگان و نویسنده عزیز ، ادامه مقاله در شماره بعد درج خواهد شد. ( تکبرگی راه کارگر )

## شورش مردم فریدون کنار (مازندران) جرعه ای تازه از خشم فروخته مردم!

از روز جمعه 22 اسفند اعتراضات گسترده ای در شهر فریدون کنار در استان مازندران علیه تقلب انتخاباتی توسط شورای نگهبان روی داده که هنوز نیز بطور کامل فروکش نکرده است.

بنا بر گزارش ایسنا، پس از برگزاری انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه بابلسر، فریدون کنار، حجت الله روحی به عنوان منتخب اول این حوزه معرفی شد. اما پس از رسیدگی به شکایات، شورای نگهبان اعلام کرد که مقدار نجف نژاد در این حوزه انتخابیه حایز رای اکثریت شده است. این خبر قبل از اعلام رسمی از صدا و سیما در منطقه پخش شده بود و در نتیجه از بعد از ظهر روز جمعه حرکات اعتراضی مردم بتدریج شکل گرفت. در ادامه این حرکات اعتراضی صبح روز شنبه 23 اسفند مردم معترض در مقابل منزل امام جمعه شهر تجمع کردند اما از آنجا که امام جمعه همراه خانواده اش از هراس جنبش خود انگیخته مردم منزل را ترک گفته بود، سیل جمعیت وارد خانه وی شد و با تخریب وسایل خانه خشم خود را بروز داد. سپس مردم شورشی که اکثر آنها را جوانان 18 تا 20 ساله تشکیل میدادند، بسمت پاسگاه شماره 14 نیروی انتظامی یورش برده و تابلو و در ورودی آنجا را شکستند و قصد ورود به پاسگاه را داشتند که با مقاومت و تیراندازی مامورین روبرو شدند. همچنین طبق گزارش ایسنا با اینکه جاده بابلسر فریدون کنار در ساعت سیزده روز شنبه توسط نیروهای انتظامی بسته شده بود اما بخشی از مردم که به سمت بابلسر در حرکت بودند حوالی ساعت پانزده روز شنبه به شهرک خزر شهر شمالی یورش بردند و اقدام به تخریب گاردهای بتونی وسط جاده کردند. در جریان این اعتراضات روز یکشنبه نیز مردم به ساختمان سازمان تبلیغات اسلامی و یکی از ساختمان های سپاه نیز خساراتی وارد کردند.

بنا بر گزارش ایسنا تاکنون خبر زخمی شدن 16 نفر دریافت شده که دو نفر آنان توسط تفنگ ساچمه ای یا گلوله های پلاستیکی مصدوم شده اند. حکومت علاوه بر